

## بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با وقوع نوع قتل در استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰

ابراهیم اکبری<sup>۱</sup>

محمود علمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۴

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۸

### چکیده

هدف از مطالعه حاضر، تعیین رابطه بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با ارتکاب نوع قتل در بین زندانیان محکوم به قتل در استان آذربایجان شرقی بوده است. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه زندانیان مرد و زن استان آذربایجان شرقی طبق آمار گزارش شده مسئولین اداره کل زندان‌های استان می‌باشند که به جرم قتل عمد در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰ در زندان‌های استان آذربایجان شرقی محکوم و تحمل حبس می‌نمایند و تعداد آن‌ها ۱۰۷ نفر مرد و ۱۳ نفر زن بود که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان، ۹۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته همراه با مصاحبه بود که اعتبار آن به صورت صوری و پایایی آن به صورت پیش‌آزمون تایید گردید. بر اساس یافته‌های تحقیق بیش از نیمی از محکومین به قتل از افراد طبقه پایین (فقیر)، کم سواد و مجرد بودند. هم‌چنین مردان بسیار بیشتر از زنان مرتکب قتل شده‌اند. نیمی از قتل‌ها، قتل‌های اجتماعی به ویژه اختلافات خانوادگی و نزاع‌های دسته جمعی بودند. هم‌چنین تفاوت معنادار بین وضعیت تاهل و جنسیت با ارتکاب به قتل به دست آمد.

**واژگان کلیدی:** ارتکاب به قتل، قتل‌های اجتماعی، قتل‌های اقتصادی و قتل‌های جنسی.

### مقدمه

یکی از پدیده‌های مشترک کلیه زمان‌ها و کلیه جوامع، قتل نفس می‌باشد، تقریباً یکی یا چند تا از انواع مختلف قتل نفس در همه جوامع تاریخ وجود داشته است و معمولاً یک یا چند نوع آن نیز جرم تلقی

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران.

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز- ایران (نویسنده مسئول).

شده است و لذا برخلاف سایر جرایم که نسبت به زمان و مکان مفهومی نسبی پیدا می‌کنند، قتل نفس همیشه جرم شناخته می‌شده است، با این تفاوت که در بعضی از مراحل و جوامع بشری بعضی از موارد آن استثناء از جرم بوده است، مانند کشتن دختران در عهد جاهلیت به وسیله پدر و یا کشتن افراد پیر و پدران سالخورده به دست فرزندان در بعضی جوامع ابتدایی، در حالی که پدیده‌های دیگری مثل مسائل جنسی بستگی به جوامع و زمان‌های متفاوت دارد تا در قالب جرم گنجانده شود و ممکن است در شرایط حاضر یک عمل جنسی معین در کشوری جرم، ولی در کشور دیگر مشروع تلقی شود، در حالی که قتل نفس در همه کشورها جرم تلقی می‌شود، تنها اختلاف احتمالاً در میزان مجازات مجرم می‌باشد. همه قتل‌ها جرم تلقی نمی‌شود و یا حداقل همیشه جرم تلقی نمی‌شده است. مثلاً اگر چه از گناه‌های نابخشودنی در اسلام خودکشی است، ولی در صورت عدم موفقیت فرد، خودکشی مستوجب مجازاتی نمی‌گردد، به عبارتی خودکشی جرم محسوب نمی‌گردد (عبدی، ۱۳۶۷: ۳۶). بر اساس آمار انتشار یافته از شاخص‌های توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ تعداد ۴۳۷ هزار قتل در سراسر جهان رخ داد که ۳۶ درصد این قتل‌ها مربوط به آمریکا می‌باشد. بر اساس این گزارش آفریقا، آسیا، اروپا و اقیانوسیه کمترین میزان قتل را داشته‌اند. به طوری که آفریقا ۳۱ درصد، آسیا ۲۸ درصد، اروپا ۵ درصد و اقیانوسیه ۳ درصد کل قتل‌ها را به خود اختصاص داده است. هندوراس در راس جدول آمار قتل اعلام شده است، به طوری که ۹۰/۴ نفر از صد هزار نفر در این کشور کشته شده‌اند و کشور ژاپن و سنگاپور با ۰/۲ نفر از هر صد هزار نفر کمترین قتل را داشته‌اند و ایران نیز ۳/۰ نفر از هر صد هزار نفر قتل داشته است. گفتنی است ۹۵ درصد قتل‌های جهانی را مردان مرتکب شده‌اند و در این میان ۷۰ درصد قتل‌هایی مرتبط با خشونت خانگی مربوط به زنان می‌شود. بر اساس آمار و ارقام ارائه شده از اداره کل زندان‌های استان در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰ تعداد ۱۲۰ نفر محکوم به قتل عمد در استان آذربایجان شرقی شده‌اند که از این تعداد ۱۰۷ مورد قتل توسط مردان و ۱۳ مورد توسط زنان اتفاق افتاده است. در بین همه انواع خشونت، قتل نفس یا آدم‌کشی (جان کسی را عمداً و به طور غیرقانونی گرفتن) خطرناک‌ترین و خوفناک‌ترین و در عین حال نادرترین نوع خشونت در جوامع است. احتمال به قتل رسیدن بسیار کمتر از آن است که شخص، قربانی جرم و جنایت و خشونت عمده دیگر شود. حتی احتمال این که کسی توسط دیگری به قتل برسد از احتمال خودکشی او نیز کمتر است، اما آدم‌کشی در هر حال و به هر شکل جدی‌ترین نوع جرم و خشونت است، زیرا آسیب وارده از آن بر قربانی به هیچ روی قابل جبران نیست و برای نزدیکان و دوستان او نیز بسیار سنگین و کمرشکن است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). قتل از بزرگ‌ترین جنایات است که امنیت اجتماع را مختل می‌سازد و معمولاً شدیدترین کیفرها بر آن وضع شده و در برخی کشورها مجازات آن اعدام است و به همین جهت کیفر و عقوبت آن را شریعت مقدسه اسلام از شدیدترین کیفر و عقوبت‌ها در دنیا و عقبی مقرر نموده است، در آیه ۳۱ سوره مائده خداوند عزوجل می‌فرماید، هر کس دیگری را بدون این که به لحاظ قصاص و فساد، او را در زمین بکشد مثل این است که تمام مردم را کشته است و آن که او را زنده

کند (از قصاص و مجازات او را عفو کند) مثل این است که همه مردم را زنده ساخته است. با اندک تعمقی در این آیه شریفه معلوم می‌گردد که همه مردم یک پیکر واحد محسوب شده و افراد جامعه به منزله اعضای آن پیکرند و قتل یک فرد در ارتباط با این پیکر عظیم است، در حقیقت هجوم به حیاط اجتماعی یک جامعه است (شامبیانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). در گذشته این دیدگاه حاکم بود که رفتار اجتماعی فرد، از جمله رفتارهای بزهکارانه وی را بیشتر ناشی از خصوصیات فردی و احیاناً ویژگی‌های ظاهری و فیزیولوژیکی بدانند و در این راه شکل‌های مختلف پیشانی، اندازه جمجمه و نیز تاثیر وراثت و نقش خلقت و موارد دیگر مورد مطالعه قرار گرفتند، اما به مرور زمان دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه و تبیین رفتار اجتماعی فرد از طریق فهم مسائل و معضلات اجتماعی و مربوط نمودن این رفتار به ساختار اجتماعی و پایگاه طبقاتی عامل رفتار اهمیت یافت و در این تحقیق سعی خواهد شد با بررسی نقش عوامل اجتماعی هم چون اختلافات زناشویی، اختلافات خانوادگی، اختلافات قومی و قبیله‌ای و عوامل اقتصادی هم چون سرقت، اختلافات ملکی و مالی و طلبکاری و ارث که موجب بروز قتل در جامعه می‌شود راهبرد پیشگیرانه‌ای نسبت به بزهکاری، خشونت اجتماعی و قتل ارائه نمود، بر این اساس تدابیر پیشگیرانه باید عوامل فردی، اجتماعی و اقتصادی را دربر داشته باشد.

قتل پیامدهای گوناگونی هم برای خانواده قاتل و هم برای خانواده مقتول به همراه دارد، وقوع یک پدیده قتل، گرچه شاید در نگاه اول برای خانواده قاتل یک مصیبت قلمداد نگردیده و تنها خانواده مقتول را در یک مصیبت و ماتم قرار دهد، ولی واقعیت امر نشان می‌دهد که خانواده قاتل در یک مخمصه گرفتار شده‌اند که تبعات منفی به مراتب بالاتر از یک قتل برای آن‌ها در پیش خواهد داشت و ابعاد متفاوتی برای آن باید در نظر گرفت. هم چنان که وقوع قتل برای خانواده قاتل تبعات و نتایجی را در بر داشته است برای خانواده مقتول نیز می‌تواند آثار و تبعاتی را داشته باشد، اگرچه باید گفت در کلیت امر، پدیده قتل برای طرفین دعوا به طور نسبی، غالباً دارای آثار منفی خواهد بود. ولی آثار منفی که این پدیده برای خانواده مقتول دارد جز آلام درد و رنج از فراق شخص از دست رفته، شاید در سایر ابعاد اقتصادی و ... کمتر خود را نشان دهد (بیات، ۱۳۸۷: ۱۱۶). بر اساس آمار موجود تعداد ۲۲۵ نفر زندانی در زندان‌های استان آذربایجان شرقی به جرم ارتکاب قتل تحمل حبس می‌نمایند که از این تعداد ۲۸ نفر زن و ۱۹۷ نفر مرد می‌باشند. بدین ترتیب در این تحقیق به دنبال این پرسش‌ها هستیم که چه عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با وقوع نوع قتل می‌باشند؟

## اهداف تحقیق

### هدف کلی

تعیین رابطه بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با ارتکاب نوع قتل در بین زندانیان محکوم به قتل در استان آذربایجان شرقی در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰.

**اهداف جزئی**

۱. تعیین تفاوت بین جنسیت محکومین با ارتکاب نوع قتل
۲. تعیین تفاوت بین وضع تاهل محکومین با ارتکاب نوع قتل
۳. تعیین رابطه بین سن محکومین و ارتکاب نوع قتل
۴. تعیین تفاوت بین محل سکونت (شهر و روستا) محکومین با ارتکاب نوع قتل
۵. تعیین تفاوت بین میزان تحصیلات محکومین با ارتکاب نوع قتل
۶. تعیین تفاوت بین نوع شغل محکومین با ارتکاب نوع قتل
۷. تعیین تفاوت بین سابقه جرایم قبلی (تکرار جرم) محکومین با ارتکاب نوع قتل
۸. تعیین رابطه بین میزان کنترل اجتماعی (جامعه) با ارتکاب نوع قتل.

**مبانی نظری**

پس از عدم کامیابی نسبی تئوری‌های رفتار غریزی و ناکامی - پرخاشگری در تبیین خشونت و پرخاشگری، محور توجه اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی معطوف به رهیافتی گردید که در آغاز در قالب تئوری موسوم به «یادگیری اجتماعی» از جانب آلبرت باندورا مطرح گردید. مبنای این تئوری بر این اساس استوار است که پرخاشگری و خشونت رفتار و کنشی اجتماعی است که از طریق فرایندهای اجتماعی، تولید، بازتولید، فرا گرفته می‌شود. باندورا با نقد رفتارگرایی افراطی اسکینر بر این باور تاکید دارد که عوامل رفتاری، ادراکی و محیطی در تعامل با یکدیگر شکل دهنده شخصیت افراد هستند. به عبارت دیگر، رفتار، عوامل فردی و نیروهای اجتماعی جملگی بر یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می‌پذیرند. باندورا، بر خلاف اسکینر و سایر رفتارگرایان که تقریباً به طور کامل به یادگیری از طریق تجربه مستقیم توجه داشتند، تاکید ویژه‌ای بر نقش یادگیری مشاهده‌ای در آشنایی با رفتار می‌کند. در واقع، متمایزترین جنبه نظریه باندورا این است که به باور وی بیشتر رفتارهای انسانی از طریق مشاهده یا الگوهای مثالی آموخته می‌شوند. رهیافت یادگیری اجتماعی بر این موضوع تاکید دارد که چگونه وضعیت‌های اجتماعی و محیطی به افراد می‌آموزند تا پرخاشگرانه رفتار کنند. در این رهیافت، پرخاشجویی و پرخاشگری به مثابه رفتارهایی اجتناب‌ناپذیر تلقی نمی‌شوند، بلکه به عنوان رفتارهایی در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس پاداش‌ها و تنبیهات مستقیمی که افراد به طور مستقیم تجربه می‌کنند توجه دارد، بلکه افزون بر آن پاداش‌ها و تنبیهاتی که الگوهای نقش افرادی که راهنمای عمل رفتار قرار می‌گیرند به سبب رفتار پرخاشگرانه‌شان دریافت می‌دارند، توجه دارد. بر این اساس، افراد به مشاهده و تامل در رفتار الگوها و پیامدهای رفتار آنها می‌پردازند؛ اگر این پیامدها مثبت باشد، رفتار مذکور در وضعیت‌های مشابه از طرف مشاهده کننده مورد تقلید قرار می‌گیرد. باندورا علی‌رغم اذعان به وجود ساز و کارهای فیزیولوژیکی در بروز پرخاشگری و

خشونت، به شدت فرضیات دو تئوری رفتار غریزی و ناکامی-پرخاشگری را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی با بی‌معنا تلقی کردن مفروضات دو تئوری مذکور، دو فرضیه زیر را مطرح می‌کند:

۱. پرخاشگری تنها یکی از چند واکنش احتمالی در قبال تجربه ناکامی ناخواسته است. ۲. پرخاشگری واکنشی غیرغریزی است و در نتیجه تاثیر پیامدهای پیش‌بینی‌پذیر رفتار قرار دارد. به این ترتیب، براساس تئوری یادگیری اجتماعی، خشونت و پرخاشگری رفتاری آموختنی است (کریمی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

### پرخاشگری و قتل عمد

قتل عمد از جمله جرایمی است که با توسل به پرخاشگری صورت می‌گیرد. تعریفی که از پرخاشگری کردیم به ویژه این نظر را تایید می‌کند. شخص قاتل عملی را انجام می‌دهد که سبب آسیب رسیدن به مقتول می‌شود، این آسیب قطعاً از نوع آسیب بدنی است و منجر به مرگ مقتول می‌گردد، هر چند که ممکن است قاتل قصد کشتن نداشته باشد و بر اثر اشتباه یا عامل دیگری در ایجاد آسیب آن قدر زیاده‌روی کرده باشد که منجر به مرگ مقتول گردد. این رفتار دقیقاً یک رفتار پرخاشگرانه است و غالباً از موارد بسیار حاد و شدید پرخاشگری محسوب می‌شود (عبدی، ۱۳۶۷: ۲۰). به طور کلی همه قتل‌ها شرایط و ویژگی‌های یکسانی ندارند. از این رو یک سنخ‌بندی مشخص و واحدی از قتل موجود نیست و صاحب نظران مختلف با توجه به علایق و ملاک‌های خاص، دسته‌بندی‌های ویژه‌ای از این پدیده انجام داده‌اند. برای مثال ولفگانگ و فراکونی در تحلیل خرده فرهنگ خشونت، قتل‌های رسمی را به ۲ دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. قتل‌های عقلانی، طراحی شده، تعمدی، جنایی و با قصد قبلی مانند: قتل‌های که تروریست‌ها انجام می‌دهند. ۲. قتل در حالت احساسات، خشم و کینه شدید یا کشتن در نتیجه عملی که به قصد آسیب و صدمه انجام می‌گیرد بدون این که نیت و قصد معینی برای کشتن وجود داشته باشد. مانند اغلب همسر کشی‌ها (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

### پیشینه تحقیق

طبق تحقیقات انجام شده توسط فرجاد (۱۳۷۱)، و عبدی (۱۳۷۶)، در ایران و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی محکومین، عوامل اقتصادی و فرهنگی، روابط خانوادگی، سن، جنس و وضعیت تحصیلی با قتل‌هایی که در دهه‌های اخیر رخ داده است رابطه معناداری داشته است. بر اساس این مطالعات، نرخ قتل در میان زنان کمتر از مردان بوده است و اکثر قتل‌ها را گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال انجام داده‌اند. میزان تحصیلات بالا نیز رابطه‌ای منفی با قتل داشته است. بر اساس تحقیق انجام یافته توسط محمدعلی زکی در استان اصفهان مربوط به عوامل اجتماعی موثر در قتل سال‌های ۷۲-۱۳۷۰ در استان اصفهان نتایج ذیل به دست آمده است که عبارت است از: مردان بیشتر از زنان مرتکب قتل شده‌اند و زمینه‌های ارتکاب قتل زیر ۳۰ سال بسیار بوده است، متاهلان بیشتر از مجردان و محکومین شهری بیشتر از محکومین روستایی بوده‌اند. از نظر ساخت روابط اجتماعی قاتل و مقتول بیشترین موارد از نوع روابط دوست و آشنا بوده است.

۳۷ درصد محکومین بی‌سواد یا در سطح خواندن و نوشتن بوده‌اند، از نظر انگیزه‌های ارتکاب قتل انواع قتل اجتماعی مثل اختلافات زناشویی، خانوادگی، نزاع دوستانه و اختلافات قومی و قبیله‌ای در رتبه اول اهمیت و قتل‌های جنسی و ناموسی در رتبه دوم و قتل‌های اقتصادی هم‌چون سرقت و اختلافات مالی در رتبه سوم قرار دارند. طبق تحقیق انجام گرفته توسط جهان بین (۱۳۹۱)، از زندانیانی که در زندان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد به اتهام قتل تحمل حبس می‌نمودند هر قدر سطح تحصیلات افراد بالاتر رود احتمال ارتکاب قتل به مراتب کمتر خواهد بود، اکثر محکومین متولد شهر می‌باشند، ۵۰ درصد محکومین با مقتول رابطه خویشاوندی نداشته‌اند. ۹۶/۴ درصد محکومین دارای درآمد ماهیانه کمتر از ۴۰۰ هزار تومان داشته‌اند. اکثر قتل‌ها با سلاح سرد به وقوع پیوسته است. بیشتر قتل‌ها بر اثر نزاع به وقوع پیوسته و بیشتر محکومین از نظر عاطفی در سطح زیاد و متوسط دچار ناکامی شده‌اند.

براساس تحقیق انجام یافته توسط زارع و کفاح غانمی در خوزستان پژوهشی از منظر جامعه‌شناختی با بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش به قتل به خاطر شرف در دشت آزادگان انجام یافته که بر اساس یافته‌های تحقیق تعلق به جامعه قبیله‌ای با گرایش به قتل به خاطر شرف رابطه دارد. تحقیقی با عنوان بررسی عوامل دخیل در وقوع قتل عمد (مطالعه موردی استان اردبیل بین سال‌های ۸۹-۱۳۸۵) توسط رجاهد، ستوده و دیندار بوسجین صورت گرفته که بر اساس یافته‌های تحقیق، بیشترین عوامل دخیل در وقوع قتل عمد در گستره جغرافیایی و بازه زمانی تحقیق، بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله نزاع و درگیری، اختلافات، مسائل اخلاقی، سرقت و انتقام موجب وقوع قتل عمد می‌شود، به عبارت دیگر وقوع پدیده‌ای اجتماعی با میزان وقوع قتل عمد دارای روابط معناداری می‌باشد. بر اساس تحقیق انجام یافته توسط پوستچی و ابراهیمی ثانی با عنوان بررسی ویژگی‌های شخصیتی زندانیان قتل عمد در زندان‌های خراسان شمالی، یافته‌های پژوهش ضرورت استفاده از خدمات روان‌شناسی و روان‌پزشکی در زندان‌ها را در پیشگیری از اختلال روانی را تایید می‌نماید. در تحقیقی با عنوان مقایسه نیم‌رخ روانی قاتلین عمدی (۲۰ تا ۴۰ ساله) شهر تهران با جمعیت عادی توسط کرمی دهباغی با توجه به نتایج می‌توان گفت که محکومین از وضعیت سلامت روانی مطلوبی نسبت به جمعیت عادی برخوردار نیستند و در بین محکومین، زنان نابهنجاری‌های روانی بیشتری دارند به نحوی که تمام آن‌ها حداقل از یک نوع اختلال روانی رنج می‌برند. با توجه به تحقیق انجام یافته توسط ابراهیمی قوام با عنوان بررسی شیوه ارتکاب قتل، نوع قتل و انگیزه‌های قاتلان سریالی ایران در سه دهه اخیر بر اساس مستندات موجود، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که توجه به ویژگی‌های فردی- خانوادگی و طبقه اجتماعی- اقتصادی، کودکی آشفته، جامعه‌گریزی، جو نامناسب حاکم بر روابط والدین و سبک فرزندپروری می‌تواند از جمله عوامل در شکل‌گیری شخصیت‌های خطرناک باشد. به طور کلی، تحقیقات انجام یافته در ایران نشان می‌دهد که محکومین ایرانی اکثراً مرد، بی‌سواد یا کم‌سواد، مجرد و از طبقات محروم جامعه هستند.

بر اساس آمار انتشار یافته از شاخص‌های توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ سازمان ملل، در سال ۲۰۱۳ تعداد ۴۳۷ هزار قتل در سراسر جهان رخ داد که ۳۶ درصد این قتل‌ها مربوط به آمریکا می‌باشد. بر اساس این گزارش آفریقا، آسیا، اروپا و اقیانوسیه کمترین میزان قتل را داشته‌اند به طوری که آفریقا ۳۱ درصد، آسیا ۲۸ درصد، اروپا ۵ درصد و اقیانوسیه ۳ درصد کل قتل‌ها را به خود اختصاص داده است. هندوراس در راس جدول آمار قتل اعلام شده، به طوری که ۹۰/۴ نفر از هر صد هزار نفر در این کشور کشته شده‌اند و کشورهای ژاپن و سنگاپور با ۰/۲ نفر از هر صد هزار نفر کمترین قتل را داشته و ایران نیز ۳/۰ نفر از هر صد هزار نفر داشته است، گفتنی است ۹۵ درصد قتل‌های جهانی را مردان مرتکب شده‌اند و در این میان ۷۰ درصد قتل‌های مرتبط با خشونت خانگی مربوط به زنان می‌شود. بر اساس بررسی سازمان ملل اگر چه میانگین قتل جهانی کاهش یافته است اما آمار قتل هنوز در ایالات متحده بسیار و در بخشی از آفریقا بالاست.

بر اساس تحقیقات به عمل آمده در مورد قتل، نرخ قتل در میان زنان کمتر از مردان می‌باشد و اکثر قتل‌های انجام گرفته بین گروه‌های سنی زیر ۴۰ سال بوده و همچنین اکثر قتل‌ها در بین افراد کم‌سواد و از طبقات محروم و پایین جامعه به وقوع پیوسته است. با توجه به نتایج تحقیقات پیشین، بیشترین موارد قتل از نظر انگیزه‌های ارتکاب قتل، انواع قتل‌های اجتماعی مانند: اختلافات خانوادگی، نزاع دسته جمعی، اختلافات قومی و قبیله‌ای می‌باشد و قتل‌های ناموسی و قتل‌های اقتصادی همچون سرقت و اختلافات مالی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در ضمن اکثریت قتل‌های انجام یافته با استفاده از سلاح سرد بوده که بر اثر نزاع دسته جمعی اتفاق افتاده و اکثر قاتلین از وضعیت سلامت روانی نسبت به جمعیت عادی برخوردار نیستند و نهایتاً این که تحقیقات انجام گرفته در ایران نشان می‌دهد که محکومین ایرانی اکثراً مرد، بی‌سواد یا کم‌سواد، مجرد و از طبقات محروم جامعه هستند. برابر تحقیقات انجام گرفته در خصوص قتل در ایران به نظر می‌رسد که تحقیقات مذکور به صورت موردی و در نقاط مختلف با توجه به شرایط جغرافیایی و فرهنگی آن مناطق مورد مطالعه قرار گرفته است و هیچ کدام از تحقیقات انجام یافته قابل تعمیم به مناطق دیگر و یا کل جامعه نمی‌باشد و در ضمن تحقیقات صورت گرفته در راستای دستیابی به یک هدف خاصی نبوده است.

### فرضیه‌ها

۱. بین جنسیت (زن یا مرد) محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.
۲. بین وضع تاهل محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.
۳. بین میزان سن محکومین و ارتکاب نوع قتل رابطه وجود دارد.
۴. بین محل سکونت (شهر و روستا) محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.
۵. بین میزان تحصیلات محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.
۶. بین نوع شغل قبل از وقوع قتل محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.

۷. بین سابقه جرایم قبلی (تکرار جرم) محکومین و ارتکاب نوع قتل تفاوت وجود دارد.
۸. بین میزان کنترل اجتماعی با ارتکاب نوع قتل رابطه وجود دارد.

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

#### متغیر مستقل

متغیر مستقل تحقیق، عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با وقوع قتل است. در خصوص عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با قتل به متغیرهای جنس، سن، محل سکونت، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، شغل، میزان درآمد، ساخت روابط اجتماعی، میزان کنترل اجتماعی، سابقه جرم و تکرار جرم توجه شده است.

#### متغیر وابسته

در تحقیق حاضر متغیر وابسته نوع قتل است و نوع قتل توجه به انگیزه ارتکاب قتل می‌باشد، می‌توان انگیزه‌های ارتکاب قتل را در سه نوع کلی ۱. قتل اجتماعی شامل: قتل ناشی از اختلافات زناشویی، قتل ناشی از اختلافات خانوادگی، قتل ناشی از اختلافات دوستانه و قتل ناشی از اختلافات قومی و قبیله‌ای، ۲. قتل جنسی یا ناموسی شامل: قتل ناشی از عمل منافی عفت، قتل ناشی از دفاع از ناموس، قتل ناشی از روابط عاشقانه و قتل ناشی از اتهام عمل منافی عفت به همسر، ۳. قتل اقتصادی شامل: قتل ناشی از سرقت (پول، ماشین و اموال)، قتل ناشی از اختلافات ملکی، قتل ناشی از طلبکاری، قتل ناشی از ارش. البته برخی از قتل‌ها در این سه طبقه‌بندی جای نمی‌گیرد و آن‌ها را می‌توان در سایر موارد قرار داد. هم چون قتل‌هایی که برای پنهان کردن خطا یا جرم دیگری به وقوع پیوسته، قتل بر اثر یک شوخی ساده، قتل‌های مواد مخدر و قتل رقابت عاشقانه.

#### قتل

قتل عمد از مهم‌ترین جرایم علیه اشخاص است و در کلیه قوانین کشورها جرم می‌باشد و در جوامع بشری با واکنش شدید رو به رو شده و از نظر اخلال در نظم، جنبه عمومی دارد و از جهت حقوق اولیاء دم دارای جنبه خصوصی است، قتل عمد را عبارت از «سلب آزادی حیات از انسان زنده به وسیله انسان دیگر بدون مجوز قانونی تعریف کرده‌اند» (باذری فومشی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

در این تحقیق انواع ارتکاب قتل در سه نوع کلی بیان می‌گردد:

۱. قتل اجتماعی شامل: قتل ناشی از اختلافات زناشویی، قتل ناشی از اختلافات خانوادگی، قتل ناشی از اختلافات دوستانه و قتل ناشی از اختلافات قومی و قبیله‌ای.
۲. قتل جنسی یا ناموسی شامل: قتل ناشی از عمل منافی عفت، قتل ناشی از دفاع از ناموس، قتل ناشی از روابط عاشقانه و قتل ناشی از اتهام عمل منافی عفت به همسر.



۳. قتل اقتصادی شامل: قتل ناشی از سرقت (پول، ماشین و اموال)، قتل ناشی از اختلافات ملکی، قتل ناشی از طلبکاری و قتل ناشی از ارث. البته برخی از قتل در این سه طبقه بندی جای نمی‌گیرد و آن‌ها را می‌توان در سایر موارد قرار داد. هم‌چون قتل‌هایی که برای پنهان کردن خطا یا جرم دیگری به وقوع پیوسته، قتل بر اثر یک شوخی ساده، قتل‌های مواد مخدر، قتل رقابت عاشقانه و موارد دیگر.

### تکرار جرم

منظور این که کسی به موجب حکم قطعی یکی از دادگاه‌های ایران محکومیت جزایی داشته باشد و بعداً مرتکب جرمی شود که مستلزم محکومیت جزایی گردد (باهری، ۱۳۸۱: ۳۲۷). منظور تعداد دفعاتی است که شخص به علت ارتکاب جرم و محکومیت جزایی روانه زندان شده است.

### کنترل اجتماعی

کنترل اجتماعی به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای وا داشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد. در واقع به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۹۳: ۱۳۷)، و تعریف دیگر مفهومی کنترل اجتماعی، مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنان یک گروه یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آن چه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد (بیرو، ۱۳۷۰: ۳۴۸).

با توجه به تعاریف فوق از کنترل اجتماعی، انواع کنترلی که در این تعاریف مشخص است عبارت است از: کنترل غیررسمی، شکلی از کنترل اجتماعی است که در عرصه رویارویی اجتماعی اعضای جامعه در خانواده، مدرسه، محل کار و ... تحقق می‌یابد، مثلاً وقتی فردی شب‌ها دیر به منزل مراجعه می‌کند از سوی والدین مورد بازخواست قرار گرفته و رفت و آمد وی کنترل می‌گردد و یا کنترل مسئولین مدرسه بر عملکرد دانش‌آموزان در مدارس از نمونه دیگر کنترل اجتماعی می‌باشد. افزون بر این، ترس از بی‌آبرویی یا بی‌احترامی و بی‌اعتباری بسیاری از افراد جامعه را وا می‌دارد تا از انجام کارهای ضد اجتماعی سرباز زنند و کنترل رسمی مبتنی بر عنصر حقوقی و قانونی کنترل اجتماعی است. قوانینی وجود دارند که راهنمای اعضای جامعه‌اند و گروه‌هایی هستند که شغل‌شان اعمال این قوانین و مقررات در جامعه می‌باشد، آن‌ها کجروان اجتماعی و مجرمان را دستگیر می‌کنند و برای مجازات به دادگاه‌ها می‌فرستند. مثلاً افراد از ترس گرفتار شدن در دست قانون و افتادن به زندان و یا اعمال سایر مجازات‌ها از سوی قانون مرتکب جرم و جنایت نمی‌شوند.

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق پیمایش و از بین طرح‌های پیمایشی از طرح همبستگی یا مقطعی استفاده شده که این امر به وسیله استفاده از تهیه پرسشنامه همراه با مصاحبه (با محکومین به قتل) جهت جمع‌آوری اطلاعات از پاسخگویان می‌باشد.

### ابزارهای اندازه‌گیری

برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها از روش کتابخانه‌ای، مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات، طرح‌های پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده شده است، که با مطالعه موضوعات مربوطه مختلف پژوهش بیشتر شناخته شده و در رسیدن به هدف پژوهش بسیار مثمر ثمر می‌باشد با این حال ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش روش پیمایشی از نوع همبستگی و از طریق ابزار پرسشنامه محقق ساخته همراه با مصاحبه (با محکومین به قتل) می‌باشد. همچنین از نظر هدف یک بررسی کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است.

جهت سنجش اعتبار پرسشنامه، از روش اعتبار صوری و جهت سنجش پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ که بر اساس پایداری درون آزمون می‌باشد استفاده شده است. میزان پایایی نیز ۰/۷۱ می‌باشد.

### جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه زندانیان مرد و زن استان آذربایجان شرقی طبق آمار گزارش شده مسئولین اداره کل زندان‌های استان می‌باشند که به جرم قتل عمد در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰ در زندان‌های استان آذربایجان شرقی محکوم و تحمل حبس می‌نمایند و تعداد آن‌ها ۱۰۷ نفر مرد و ۱۳ نفر زن می‌باشد که بر اساس جدول مورگان تعداد ۸۳ پرسشنامه برای مردان و ۹ پرسشنامه برای زنان به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده پر شده است.

### نتایج توصیفی

در بررسی حاضر کل نمونه آماری مورد مطالعه (۹۲ نفر)، ۸۳ نفر (۹۰٪) از پاسخگویان مورد مطالعه مرد و ۹ نفر (۱۰٪) زن بودند. بر اساس نتایج توصیفی پژوهش، از ۹۳ نفر مورد مطالعه ۴۳ نفر (۴۶/۷٪) از پاسخگویان مورد مطالعه مجرد، ۳۰ نفر (۳۲/۶٪) متأهل، ۸ نفر (۸/۷٪) مطلقه و ۱۱ نفر (۱۲٪) بدون همسر بودند. بنابراین از بین نمونه‌های تحقیق بیشترین فراوانی با محکومین مجرد بوده است. نمونه‌های تحقیق از نظر تحصیلات ۲۶ درصد دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر (کاردانی و کارشناسی)، ۱۳ درصد بی‌سواد و ۶۱ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. همچنین نمونه‌های تحقیق حاضر از نظر وضعیت شغلی در

زنان بیشترین فراوانی با زنان خانه‌دار و در مردان بیشترین فراوانی با کارگران بوده است. بر اساس یافته‌های تحقیق ۷۴ درصد از محکومین بدون سابقه قبلی (تکرار جرم) بودند و ۲۶ درصد دارای سابقه قبلی (تکرار جرم) بودند. در این میان وقوع قتل به دلایل اجتماعی بیشترین دلیل ارتکاب به قتل بوده و در ۵۵/۴ درصد از موارد قتل، مقتولین هیچ نسبتی با محکوم نداشته‌اند. طبق یافته‌های تحقیق تعداد قتل‌ها تا سال ۹۲ سیر صعودی داشته است. اما در سال ۹۳ به طور چشمگیری کاهش یافته است که این امر به دلیل در حال رسیدگی بودن پرونده‌های مربوط به اتهام قتل سال ۹۳ می‌باشد که تا زمان تحقیق، برای پرونده‌های مذکور حکم قطعی صادر نشده بود، ولی براساس آمار و ارقام جرم قتل در سال ۹۳ نیز نسبت به سال‌های قبلی هم‌چنان سیر صعودی دارد.

### نتایج تحلیلی

- فرضیه اول: بین جنسیت (زن یا مرد) محکومین و ارتکاب قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت در ارتکاب قتل بر اساس جنسیت از آزمون  $X^2$  استفاده گردید. بر اساس نتیجه آزمون بین ارتکاب به قتل و جنس تفاوت معنادار وجود دارد و مردان بیشتر از زنان مرتکب قتل شده‌اند. یافته تحقیق با نظریه سمپسون ولوب هم‌راستا می‌باشد. آن‌ها بر این نظرند که "نقطه دگرپرسی" در زندگی هم‌چون ازدواج و یافتن شغل ثابت مرز رابطه افراد با جرم و انحرافات است. ازدواج از طریق رابطه خانوادگی و عاطفی نزدیک و هم‌چنین پیوندهای بین افراد آشنا رفتار کجروانه را کاهش می‌دهد. با یافته‌های فرجاد (۱۳۷۱)، عبدی (۱۳۷۶)، زکی (۱۳۷۳)، و آمار انتشار یافته از شاخص‌های توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ سازمان ملل در سال ۲۰۱۳، همسو می‌باشد.

- فرضیه دوم: بین وضع تاهل (ازدواج) محکومین و ارتکاب قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت در ارتکاب قتل بر اساس وضعیت تاهل از آزمون  $X^2$  استفاده گردید. بر اساس یافته تحقیق بین ارتکاب به نوع قتل و وضعیت تاهل تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به پاسخ‌های محکومین به نظرمی‌رسد، افراد مجرد، رفتارهای متعصبانه و احساسی افراطی‌تری نشان می‌دهند، بنابراین ارتکاب به قتل در بین افراد مجرد بیشتر مشاهده شده است، با یافته‌های زکی (۱۳۷۳)، ناهمسو می‌باشد. دلیل این تفاوت می‌تواند به خاطر تفاوت در جامعه آماری و منطقه و نیز فاصله زمانی زیاد مورد بررسی باشد. زیرا تحقیق زکی در شهر اصفهان و در مقطع سال‌های ۷۲-۱۳۷۰ انجام شده بود. به نظر می‌رسد علاوه بر فاصله زمانی حدود ۲۰ سال و تفاوت‌های فرهنگی زیادی در این دو منطقه وجود دارد که می‌تواند نتایج تحقیق‌ها را تحت تاثیر قرار دهد.

- فرضیه سوم: بین میزان سن محکومین و ارتکاب قتل رابطه وجود دارد. جهت آزمون رابطه بین ارتکاب به قتل با سن محکومین به قتل از آزمون همبستگی اسپرمن استفاده گردید. بر اساس یافته تحقیق رابطه معناداری بین سن و ارتکاب به قتل مشاهده نشد. یافته‌های تحقیق با یافته‌های مطالعه فرجاد (۱۳۷۱)، و عبدی (۱۳۷۶)، همسو می‌باشد.
- فرضیه چهارم: بین محل سکونت (شهر و روستا) محکومین و ارتکاب به قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت در ارتکاب قتل بر اساس محل سکونت از آزمون  $X^2$  استفاده گردید. طبق یافته‌های تحقیق تفاوت معناداری بین محل سکونت و ارتکاب به قتل به دست نیامد. لازم به ذکر است، بر اساس پاسخ‌های محکومین از ۷۵ درصد محکومین ساکن شهر ۲۳ درصد روستاییان مهاجر و حاشیه‌نشینان بودند. یافته‌های تحقیق با یافته‌های زکی (۱۳۷۳)، و ابراهیمی (بی‌تا)، همسو و با یافته‌های تحقیق جهان‌بین (۱۳۹۱)، ناهمسو می‌باشد.
- فرضیه پنجم: بین میزان تحصیلات محکومین و ارتکاب به قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت ارتکاب قتل بر اساس سطح تحصیلات محکومین به قتل از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید و تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات و ارتکاب به قتل به دست نیامد. لازم به یادآوری است که ۷۴ درصد محکومین دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم بودند و فقط ۷ درصد دارای مدرک کاردانی و کارشناسی بودند، بنابراین می‌توان گفت محکومین به قتل از سطح تحصیلات تقریباً یکسانی برخوردار بودند. یافته‌های تحقیق با یافته‌های فرجاد (۱۳۷۱)، و عبدی (۱۳۷۶)، ناهمسو اما با یافته‌های زکی (۱۳۷۳)، همسو بوده است.
- فرضیه ششم: بین نوع شغل قبل از وقوع قتل، محکومین و ارتکاب قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت در ارتکاب به قتل بر اساس نوع شغل از آزمون  $X^2$  استفاده گردید. بر اساس یافته تحقیق تفاوت معناداری بین شغل و ارتکاب به قتل به دست نیامد. با توجه به این که در پیشینه‌های مطالعاتی تحقیق در این مورد به دست نیامد، امکان مقایسه نیز میسر نشد.
- فرضیه هفتم: بین سابقه جرایم قبلی (تکرار قتل) محکومین و ارتکاب به قتل تفاوت وجود دارد. جهت آزمون تفاوت ارتکاب به قتل بر اساس سابقه قبلی محکومین به قتل از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. طبق یافته تحقیق تفاوت معناداری بین سابقه قبلی و ارتکاب به قتل به دست نیامد. لازم به یادآوری است که ۷۴ درصد محکومین هیچ سابقه قتل قبلی نداشته‌اند. در بررسی مطالعات پیشین به تحقیق در زمینه متغیر حاضر جهت مقایسه به دست نیامد.
- فرضیه هشتم: بین میزان کنترل اجتماعی با ارتکاب قتل رابطه وجود دارد. جهت آزمون رابطه بین ارتکاب به قتل با میزان کنترل اجتماعی محکومین به قتل از آزمون همبستگی اسپرمن استفاده گردید. طبق نتایج آزمون رابطه معناداری بین ارتکاب به قتل و کنترل اجتماعی به دست

نیامد. همان گونه که در آمار توصیفی ملاحظه شد، حداقل کنترل اجتماعی از نظر محکومین ۳۸/۱۶ و میانگین آن ۶۴ بوده است، بنابراین کنترل اجتماعی نتوانسته از ارتکاب به قتل پیشگیری نماید. یافته تحقیق با نظریه‌های بلوو و کلیرن (۱۹۶۹)، همراستا نمی‌باشد. زیرا طبق نظریه پیتر بلوو قتل معرف میزان کنترل اجتماعی و نظارت اجتماعی است در صورتی که وسایل کنترل اجتماعی چه اشکال رسمی و چه اشکال غیررسمی آن در جامعه‌ای تضعیف گردد، زمینه‌های بروز رفتار انحرافی و به خصوص ارتکاب قتل افزایش خواهد یافت و طبق نظر کلبرن ژنتیک ممکن است به صورت بالقوه فرد را به خشونت وادارد، اما عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌توانند تبدیل آن را کنترل نمایند. اما یافته تحقیق حاضر نشان داد که با وجود بالابودن میزان کنترل اجتماعی، قتل‌ها اتفاق افتاده‌اند و کنترل اجتماعی نتوانسته از آن‌ها پیشگیری کند و دلیل آن را می‌توان چنین بیان کرد که با توجه بر این که بسیاری از قتل‌هایی که اتفاق می‌افتد برنامه‌ریزی شده نیست و این فحاشی، عصبانیت و خشونت افسار گسیخته است که منجر به قتل می‌شود. در بسیاری موارد در قتل خانوادگی چیزی از پیش طراحی نمی‌شود و قتل با ابزار دم دستی انجام می‌شود که این موضوع از تشدید ناپهنجاری‌های خانوادگی حکایت می‌کند. در نهایت این که عوامل افزایش قتل چه خانوادگی و چه غیرخانوادگی حلقه‌های متصل به هم هستند و نمی‌توان یکی را عامل اصلی دانست.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر، تعیین رابطه بین عوامل اجتماعی و اقتصادی با ارتکاب نوع قتل در بین زندانیان محکوم به قتل در استان آذربایجان شرقی بوده است. قتل نفس یا آدم‌کشی (جان کسی را عمدتاً و به طور غیرقانونی گرفتن). قتل یکی از موضوعاتی است که در علوم اجتماعی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق، جرم‌شناسی و انسان‌شناسی هر کدام با نگرشی خاص این موضوع را مورد مطالعه قرار می‌دهند. بنابراین می‌توان بیان نمود که قتل را با توجه به ابعاد گسترده اجتماعی آن باید مطالعه کرد. در وهله اول قتل به عنوان انحراف اجتماعی تلقی می‌شود، چرا که رعایت حقوق دیگران به عنوان یک هنجار مورد نظر بوده و تعدی به جان دیگران انحراف از این هنجار است و از سوی دیگر قتل را می‌توان به عنوان یک واقعیت اجتماعی در نظر گرفت، دور‌کیم بر اساس مکتب کارکردگرایی تاکید خاصی بر این مسئله داشت که خودکشی به عنوان یک پدیده اجتماعی تلقی می‌گردد، در صورتی که خودکشی، یک پدیده اجتماعی مورد نظر باشد، می‌توان به تحلیل جامعه‌شناختی نائل آمد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که قتل را به عنوان پدیده اجتماعی بایستی تصور کرد تا بتوان تحلیل جامعه‌شناختی درباره علل و عوامل بروز آن بیان داشت. طبق نظریات جامعه‌شناختی نظریه خرده فرهنگ خشونت مدعی است که در خرده فرهنگ خشونت، ضرب و شتم افراد و توسل به پرخاشگری به لحاظ اجتماعی مورد تایید و پذیرفته است و پیامد برخی محرک‌ها محسوب می‌شود و خشونت جزء آشنا و مرگبار تلاش برای زندگی است. این رویکرد، خرده فرهنگ خشونت را مسبب اصلی نرخ بالای آدم‌کشی در همسایگی‌های فقیرنشین می‌داند. افراد در این همسایگی‌ها و خرده فرهنگ‌ها، با الگوی

خشونت که توسط والدین، همسالان و همسایگان فقیر ارائه می‌شود، پیوند دارند و در دامنه وسیعی از رفتارهای خشونت‌بار شرکت می‌کنند و از آن هویت می‌گیرند. از همین رو، خشونت شیوه زندگی و شیوه حل مسائل این گونه افراد و نه تنها بهنجار، بلکه لازم تلقی شده و کسی اصلاً در مورد پرخاشگری خود احساس گناه نمی‌کند. یافته‌های توصیفی تحقیق نیز بر همین امر تاکید دارد. زیرا بیش از نیمی از محکومین به قتل افراد با سطح تحصیلات پایین، درآمد کم، خانواده آشفته و سن پایین بودند و نیمی از قتل‌ها به دلایل شرکت در نزاع‌های خانوادگی و یا دسته جمعی بودند. اما هیرشی در نظریه خود بر این باور است که رفتارها و کنش‌های انحرافی نتیجه کسستگی یا تضعیف رابطه پیوستگی و تقید افراد به جامعه است. هنگامی که پیوستگی و رابطه با دیگر اعضای جامعه قوی است افراد کنترل خواهند شد و متعاقباً احتمال نقض قوانین و انحراف کمتر می‌شود. سمپسون ولوب با نظر هیرشی موافقت می‌کند اما آن‌ها اهمیت پیوستگی‌های اجتماعی گوناگون را در دوره‌های مختلف زندگی متغیر می‌دانند. آنان بر این نظرند که "نقطه دگردیسی" در زندگی هم‌چون ازدواج و یافتن شغل ثابت مرز رابطه افراد با جرم و انحرافات است. ازدواج از طریق رابطه خانوادگی و عاطفی نزدیک و هم‌چنین پیوندهای بین افراد آشنا رفتار کجروانه را کاهش می‌دهد و به واسطه آن کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد. یافته تحقیق حاضر نیز این نکته را تایید می‌کند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

اقدام به قتل به عنوان یکی از حادثترین انواع بزه و جرم و به عنوان یکی از گناهان بزرگ در اسلام می‌باشد و از آن جایی که در هر گروه سنی می‌تواند انجام گیرد، اما در مجموع و با توجه به یافته‌های تحقیق در سنین جوانی تا میانسالی احتمال وقوع آن بیشتر است، بنابراین با توجه به داده‌ها و نتایج تحقیق پیشنهاد‌های کاربردی به قرار ذیل در جهت پیشگیری ارائه می‌گردد:

- بیش از نیمی از محکومان به قتل افراد کارگر و کم سواد جامعه می‌باشند، پیشنهاد می‌شود، دولت با از بین بردن زمینه‌های جرم، هم‌چون فقر، محرومیت از تحصیل و هم‌چنین فراهم نمودن حداقل امکانات زندگی و رفاهی برای افراد جامعه می‌تواند در کاهش آمار قتل اثر گذار باشد.
- نیمی از قتل‌های اتفاق افتاده شامل قتل‌های اجتماعی از قبیل اختلافات خانوادگی و نزاع‌های دسته جمعی صورت گرفته‌اند. بنابراین لازم است، مراکز آموزشی از جمله مدارس از همان دوران ابتدایی، برای دانش‌آموزان رفتارهای اجتماعی از جمله کنترل خشونت آموزش داده شود.
- هم‌چنین رفتارهای مناسب و صمیمانه با افراد دیگر و به ویژه خانواده از طریق برنامه‌های تلویزیونی آموزش داده شود.

- برای پیشگیری از شیوع خشونت‌ها و جرم‌های اجتماعی به‌ویژه قتل پیشنهاد می‌شود به تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی مناسب توجه شود و از پخش برنامه‌ها و فیلم‌های خشن و جنایی، کاسته شود

و به جای آن‌ها برنامه‌ها و فیلم‌های آموزش رفتارهای اجتماعی و خانوادگی توسط متخصصین به صورت فیلم و سریال تولید و پخش شوند.

- درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها جهت تقویت کنترل اجتماعی درونی.
- تقویت نهادهای قضایی جهت حل مشکلات و اختلافات جنسی، اخلاقی، ملکی و مالی.
- ارتقاء سطح فرهنگ عمومی در موضوع روابط اجتماعی.

### منابع

- اباذری فومشی، منصور. (۱۳۹۰). نحوه عملی رسیدگی به جرایم قتل در دادسرای محاکم کیفری ایران. تهران: انتشارات راه نوین.
- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت.
- باهری، محمد. (۱۳۸۱). تقریرات درس حقوق جزای عمدی. تهران: انتشارات رهام.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی. مجله مطالعات جامعه‌شناختی. شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۱۳.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: باقر، ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- جهان‌بین، عباداله. (۱۳۹۱). درآمدی بر مسئله قتل در استان کهگیلویه و بویراحمد. تهران: نشر زیتون سبز.
- ستوده، هدایت. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آوای نور.
- شامبیانی، هوشنگ. (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی. جلد اول. تهران: انتشارات مجد.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- عبدی، عباس. (۱۳۶۷). مسائل اجتماعی قتل در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی (نظریه، مفاهیم و کاربردها). تهران: انتشارات ارسباران.